
فریفته تصادف

نقش پنهان بخت و اقبال در «زندگی و بازارها»

www.ketab.ir

نسیم نیکلاس طالب

ترجمه اصلان قودجانی

فریفته تصادف

نویسنده : نسیم نیکلاس طالب
مترجم : اصلان قودجانی
ویراستار : زهرا خانیانی
طراح جلد و صفحه آرا : سمیرا سبحانی
مدیر تولید : علی زارعی
لیتوگرافی : رز گرافیک
چاپ و صحافی : بوستان کتاب
ناشر : کتابسرای میردشتی
نوبت چاپ : اول ۱۴۰۰
شمارگان : ۴۰۰
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۰۰-۷۱-۱

فهرست کتابخانه ملی :

سرشناسه : طالب، نسیم نیکولاس، ۱۹۶۰ م. Taleb, Nassim Nicholas
عنوان و نام پدیدآور : فریفته تصادف: نقش پنهان بخت و اقبال در «زندگی و بازارها» / نسیم نیکلاس طالب؛ ترجمه اصلان قودجانی؛ ویراستار زهرا خانیانی.
مشخصات نشر : تهران: کتابسرای میردشتی، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری : ۳۳۴ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۰۰-۷۱-۱
وضعیت فهرست نویسی : فیا
یادداشت : Foolled by randomness: the hidden role of chance in the markets and in life, c2001.
یادداشت : کتاب حاضر با عنوان «مضحکه امر تصادفی» با ترجمه شقایق اروچی توسط انتشارات قافیه در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است.
عنوان دیگر : نقش پنهان بخت و اقبال در «زندگی و بازارها».
عنوان دیگر : مضحکه امر تصادفی.
موضوع : سرمایه‌گذاری Investments
شانس Chance
متغیرهای تصادفی Random variables
شناسه افزوده : قودجانی، اصلان، ۱۳۵۳ - مترجم
رده بندی کنگره : HG۴۵۲۱
رده بندی دیویی : ۱۲۳/۳
شماره کتابشناسی ملی : ۸۶۸۰۲۸۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیا

نشر و پخش : کتابسرای میردشتی

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، بعد از تقاطع لبافی‌نژاد، نبش کوچه ماستری فراهانی، پلاک ۱۱، طبقه ۱، واحد ۱.

تلفن : ۰۲۱-۶۶۴۹۰۶۶۰-۲

ورنگار : ۰۲۱-۶۶۴۹۱۹۶۸

www.mirdashti.com

© Mirdashti_book

«این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.»

فریفته تصادف



9 786227 600711

۹۰۰,۰۰۰ ریال

س.ای.میردشتی

فهرست

۷ مقدمه مترجم

۱۱ پیشگفتار و سپاسگزاری

۱۷ سرآغاز: مساجدی در ابرها

بخش اول: هشدار سولون، چولگی، عدم تقارن، استقرا

۳۱ فصل ۱: اگر این همه ثروت داری، چرا باهوش نیستی؟

۵۷ فصل ۲: یک شیوه عجیب و غریب حسابداری

۸۱ فصل ۳: تأمل ریاضیاتی در تاریخ

۱۱۵ فصل ۴: تصادفی بودن، یاوه و اندیشمند علمی

فصل ۵: بقای نامتناسب ترین ها: آیا تکامل ممکن است با

۱۲۷ تصادف فریب بخورد؟

۱۵۳ فصل ۶: چولگی و عدم تقارن

۱۷۹ فصل ۷: مشکل استقرا

بخش دوم: میمون‌هایی روی ماشین‌های تایپ - بقا و سایر تورش‌ها

۲۰۵ فصل ۸: میلیونرهای پُرشمار دیواربه دیوار

۲۱۹ فصل ۹: خرید و فروش، آسان تر از نیمرو کردن تخم مرغ است

۲۴۹ فصل ۱۰: بازنده پاک می‌بازد: در باب غیرخطی بودن های زندگی

۲۶۱ فصل ۱۱: تصادفی بودن و مغز ما: ما کور احتمالاتی هستیم

مقدمه مترجم

از مایه ابهام تا خمیرمایه نجات

نسیم نیکلاس طالب، متخصص آمار، تحلیلگر ریسک، و معامله‌گر سابق اختیار معامله در بازارهای مالی است که در سال ۱۹۶۰ در لبنان به دنیا آمد. او به تعبیری گزیده‌گوی عالم معاملات اوراق بهادار محسوب می‌شود. فقط مطالعه یکی از کتاب‌های او کافی است که خواننده بفهمد معنای گزیده‌گویی و علاقه به سخنان قصار در آثار او چیست و از چنان گفتمانی در نوشته‌های یکی از فعالان و تحلیلگرهای بازار سهام به حیرت بیفتد. چگونه است که یک کارشناس بازارهای مالی با زبان تحقیر و نقدهای آتشین، از اقتصاددان‌ها و کارشناسان MBA حرف می‌زند و برای تبیین حقایق چنین عرصه‌ای، از پند پیشینیان و ادب بهره می‌گیرد؟ خواننده آثار او خیلی زود از خود می‌پرسد که چرا او در میان این جماعت بازاری، به چنان گویش و منشی رسیده است؟ یکی از مضامین اصلی در نوشته‌های طالب، پرهیز از خلط کردن زمینه‌های نادقیق یا غیرعلمی با عرصه‌های دقیق یا علمی؛ و تمیز دادن «تصادف و اقبال» از «محصول واقعی تلاش انسان یا رخدادهای علت و معلولی» است. به این ترتیب، او در توصیفی عجیب که شاید به مذاق بسیاری - به‌ویژه اهل ادب -

خوش نیاید، ادبیات را در جایگاه بهترین مصداق «عدم‌دقت»، با واژهٔ وزوز توصیف می‌کند و در همان حال که در اوج زیبایی و هنر نگارش ویژهٔ خود، از ادبیات وام می‌گیرد، آن را معادل وزوز و اختلال می‌داند!

با این حال، چندان طول نمی‌کشد که خواننده از علاقه و احترام *طالب* به آثار ادبی آگاه می‌شود و درمی‌یابد که *طالب* در اصل از کاربرد ادبیات یا هر وزوز دیگر - هر نگرش یا رویکرد یا دادهٔ غیردقیق - در تصمیم‌گیری‌های دقیق و جزئی انتقاد می‌کند و نه از خود ادبیات؛ زیرا او به‌زودی از شیفتگی‌اش به ادبیات پرده برمی‌دارد و به زبان بی‌زبانی و با زیبایی هرچه تمام‌تر، ادبیات را در جایگاه حقیقی و راستین آن هنر قرار می‌دهد: لذت بردن از زیبایی، پرورش حس زیبایی‌شناسانهٔ انسان، و توسل به زیبایی‌های کلام، ولو در قالب مبالغه و افسانه، برای هشدار دادن و حکمت آموختن.

به این ترتیب است که ادبیات - همان وزوز، همان زیبایی نادقیق و سراسر مبالغه که البته سرشار از حکمت، هشدار و تراژدی است، همان مایهٔ لذت روح که شاید در کمک به تصمیم‌های دقیق و روزمرهٔ زندگی و بازار، پیشیزی نیرزد و عاری از دقت و معنای آماری باشد، وقتی سال‌ها هم‌نشین روح و ذهن انسان قرار می‌گیرد، حکمت و دوراندیشی را در وی پرورش می‌دهد، ماهیت کلی و خدشه‌ناپذیر این دنیا یعنی عدم‌اطمینان را در ذهن او حک می‌کند، و او را از اتکا یا اطمینان محض به سلسلهٔ دراز شواهد و آمارهای گذشته - که می‌خواهند نشانه‌های ثبات و پایداری را به وی القا کنند - باز می‌دارد. آن ادبیات، همان که از جنس امور غیردقیق است و از محک علمی سربلند بیرون نمی‌آید، در واقع صحنهٔ عبرت‌های ناب و آیینة ماهیت ازلی و ابدی این دنیا است: تغییرپذیری

مداوم، تصادف و زیور و شدن اوضاع، بی‌عدالتی و فریب خوردن دائمی از روال «تصادفی» امور این دنیا برای کسانی که از موهبت‌آشنایی با ادبیات بی‌بهره‌اند. و البته ادبیات یونان و روم که *طالب* گویی از نوجوانی با آن‌ها مأنوس بوده است، مخزن بی‌پایان این هشدارها و تراژدی‌هاست. این مخزن هشدارها و مبالغه‌ها که شاید در «ظرف مدت یک روز» به هیچ کار نیاید و برای یک انسان عادی یا یکی از تحلیلگرهای بازار مالی، به‌درستی هیچ ارزشی نداشته باشد، در «ظرف یک عمر» یا حتی در ظرف قرون و اعصار، مایهٔ نجات، جان به در بردن، یا به‌تعبیر خود *طالب*، مایهٔ دوری از تباهی یا «داغان شدن» می‌گردد.

پس علت اصلی این گفتار متین و دوراندیشانه که مایهٔ تمایز نگرش و گویش *طالب* از دلال‌ها و کارگزاران این عرصه است، چیزی نیست جز همان وزوز؛ ولی وه که چه وزوزی.

اگر هنوز دربارهٔ تشبیه ادبیات به وزوز و در عین حال تحسین آن به‌مثابهٔ منبع حکمت، و سرچشمهٔ لذت‌زیبایی‌شناختی محض در نوشته‌های *طالب*، متحیر هستید، بهتر است این اثر را با دقت و طمأنینه بخوانید. بعید است که این سرگردانی پس از خواندن تمام توضیحات دشوار ولی زیبا و بی‌پیرایهٔ او، تا پایان این کتاب در شما باقی بماند.

نثر *طالب* چنان‌که خودش می‌گوید، ویژه است و چه خوب که متمایز است و منشأ تنوع. آشنایی او با شخصیت‌های ادبی و اساطیر کهن، پای نام‌ها و باورهای دیرین و بی‌شمار را به این کتاب باز کرده است و شیوهٔ نگارش وی که عاری از زیاده‌گویی است، به‌آسانی به چنگ ترجمه در نمی‌آید. دیده‌ایم که چنین آثاری چقدر در معرض ترجمه‌ها و معادل‌های تحت‌اللفظی قرار می‌گیرند. امید که این اثر *نسیم طالب*، تا حد امکان از چنان آفتی مصون مانده باشد.